

منجم ابن

دسالا في الموسيقى

سأذكر في ابن علي بن يحيى المنجم
بأنبا الذين قبله اصغرا
نصف الآن امر النجم و عدد
من كل
موضع كل نغمة و سنان و سببه
بمجرى الموسيقى و بعضها بمجرى البصر و ا
بمجرى العلم بالصناعة و العمل و ا
اذا كان اسحق و لطا و ا و ا
نما في هجره و بعد شرح ما ي
ان النغمة عز ليس في المصير
و النغمة الاولى المنى مطلقا و ا
و اللين ثم سوى بلها العيا
سميت النغمة الحما يسمي بلها
الثالثة الرسل على المنى و ا
فمنه كمنى نغم في المنى ثم ا
و لا فرق بينهما ثم نغمة الساد
الثامنة البصر على الزير و ا
النغمة العاشرة فكر هو ان ا
من اجل نغمة واحدة و لا ي

يحيى ابن علي ابن يحيى ابن منصور منجم
(سده سوم ه ق)
به كوشش سيد محمد تقى حسيني

سرشناسه	: این منجم، یحیی بن علی، ۲۴۱-۳۰۰ ق.
عنوان قراردادی	: رساله فی الموسیقی، فارسی - عربی.
عنوان و نام پدیدآور	: رساله فی الموسیقی ابن منجم / به اهتمام سید محمدتقی حسینی.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۸۸ ص.؛ مصور، نمونه.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۲۰-۶
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا	
یادداشت	: فارسی - عربی
موضوع	: موسیقی عربی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه افزوده	: حسینی، سید محمدتقی، ۱۳۵۷ - مترجم.
شناسه افزوده	: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
رده‌بندی کنگرد	: ۱۳۸۸ الف/۱۷۱/ML
رده‌بندی دیوئی	: ۷۸۱/۰۹۰۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۰۰۵۵۶
یادداشت	: یادداشت، کتابخانه.
موضوع	: موضوع؛ نوم



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

رساله فی الموسیقی ابن منجم

به اهتمام: سید محمدتقی حسینی

صفحه آرا: میثم رادمهر

طراح جلد: ساغر رادنژاد

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: چاپخانه دیجیتال فرهنگستان هنر

ISBN: 978-964-232-220-6

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۲۰-۶

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مؤسسه: تهران - انتهای خیابان فلسطین جنوبی - خیابان لقمان ادهم - بن بست بوذرجمهر - شماره ۲۴ - مؤسسه

تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»: تلفن: ۴-۶۶۴۹۸۶۹۲ - دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲ - صندوق پستی: ۱۳۷۷ - ۱۳۱۴۵

پست الکترونیک: Info@matpublishers.ir

فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر - نرسیده به چهارراه طالقانی - شماره ۱۵۵۰ - ساختمان مرکزی فرهنگستان هنر.

تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

نشانی اینترنتی: www.matpublishers.ir

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۲۱	متن عربی رساله
۳۳	ترجمه متن رساله
۴۳	توضیحات
۷۱	تصاویر نسخه کتابخانه موزه بریتانیا
۷۷	تصاویر نسخه کتابخانه رضا رامپور
۸۳	منابع

مقدمه

پس از ظهور اسلام و گسترش سرزمین‌های خلافت اسلامی به شرق، ارتباط فرهنگی و فکری مردمان این ناحیه پهناور، زمینه‌ساز ایجاد فرهنگ غنی و ارزنده‌ای شد که در دیرزمانی یکی از پرنفوذترین و مؤثرترین مراکز فرهنگی دنیا به شمار می‌رفت. موسیقی نیز از تأثیرات این فرهنگ قدرتمند برکنار نماند و همچون دیگر علوم به وسیله اندیشمندان و پژوهشگران مورد تتبع و تحقیق قرار گرفت. آغاز رشد و شکوفایی در علم موسیقی را به تصریح ابن خلدون می‌توان به دوران آغازین حکومت بنی عباس نسبت داد که پس از بهبودی اوضاع اقتصادی و اجتماعی^۱، بستری مناسب برای این رشد و بالندگی فراهم آمد، امتزاج دیگر فرهنگها با یکدیگر و به ویژه رشد خاندانهای ایرانی^۲ و نفوذ ایشان در دربار خلفای عباسی نیز در تسریع این

۱. برای آگاهی بیشتر از اوضاع علمی و فرهنگی تمدن اسلامی در دوره عباسیان، نک: تاریخ ادبیات، نوشته دکتر صفا. - و.

۲. از مهم‌ترین این خاندانها می‌توان به خاندان آل بویه، آل برمک و آل سامان اشاره کرد. - و.

جریانات مؤثر بود. وجود موسیقی دانان بسیار و تألیفات متعدد خود گواه این مطلب است که مباحث و آرای متنوعی نزد این قشر از جامعه وجود داشت که این امر نشان از گستردگی حوزه نظریه پردازی این عصر است. برخی از موسیقی دانان این دوران با تألیفات خود، مباحث نظری موسیقی را به چالش کشیدند. یکی از برجسته ترین موسیقی دانان این عصر، اسحاق بن ابراهیم بن ماهان بن بهمن ارجانی (۱۵۵-۲۳۵ ق) معروف به اسحاق موصلی است که توانست به عنوان نظریه پرداز، از میزان تناقضات میان مباحث تئوری و عملی موسیقی بکااهد و آن را در نظام تعریف شده و معینی سامان دهد. این موسیقی دان بزرگ رسالات متعددی نوشته به گونه ای که ابن ندیم در *الفهرست* دست کم چهل کتاب را به او نسبت داده است از جمله رساله *اخبار عزه المیلا*، *اخبار معبد*، *اخبار طویس*، *الرقص و الزفن* و *النغم و الايقاع*. متأسفانه از این آثار و آن چه دیگران در شرح احوال او تألیف کرده اند همچون رساله *اخبار اسحاق بن ابراهیم موصلی* تألیف علی بن یحیی بن ابی منصور و *اخبار اسحاق* تألیف حماد بن اسحاق، هیچ اثری از حوادث روزگار مصون نمانده است. در برخی متون کهن نیز تنها به جملاتی از اسحاق موصلی اکتفا شده است، مثلاً در *تسویم الصحه* از قول اسحاق چنین آمده: «فایدت آواز نای و ارغنون آن است که بسیار بود که سرودگوی را در آواز تقصیری بود چنان که در میانه آواز ابریشمی فروماند و آواز نای آن را نیابت دارد و آن تقصیر پیوشد» (ابن بطلان، ۱۳۸۲: ۱۲۷)، اما تنها منابعی که بتوان با مطالعه و تحقیق در آن به دیدگاه و نظریات موسیقایی اسحاق موصلی پی برد، کتاب *الاغانی ابوالفرج اصفهانی* (قرن چهارم)، *کمال ادب الغناء حسن بن احمد کاتب* (قرن هفتم) و از همه مهم تر *رساله موسیقی یحیی بن علی بن منجم* (قرن سوم) است.

ابوالفرج اصفهانی، علاوه بر ارائه شرح مبسوطی از زندگی اسحاق موصلی، به کارهای او در زمینه موسیقی نیز می پردازد. او در جای جای کتاب

الغانی به تمجید و تعریف از اسحاق موصلی می‌پردازد و او را مبتکر نظامی در موسیقی معرفی می‌کند که تا قبل از آن، کسی بدان دست نیافته بود. ابوالفرج اصفهانی در این خصوص در کتاب خود (۱۳۶۸: ۵۸۶) می‌نویسد:

اسحاق، اجناس غنای عربی و راههای آن را درست کرد و آوازه‌ها را طوری طبقه‌بندی نمود و با مهارت از هم جدا کرد که هیچ کس قبل از او نتوانسته و بعد از او هم از عهده چنان کار بزرگی برنیامده است. سابقاً آوازه‌ها به صورت کنونی از هم متمایز نبود و فی‌المثل تنها می‌گفتند: ثقیل، و ثقیل اول، و خفیف، و خفیف خفیف. عمرو بن بانه، شاگرد اسحاق در کتاب خود، فقط رمل اول و رمل ثانی را ذکر کرده است. در بیان انگشتان (پرده‌ها) چیزی برانگشت میانین و انگشت چهارم نیفزوده و از مجراهایی که اسحاق در کتاب خود شرح داده اطلاع نداشته است. اسحاق اجناس غناء را از هم جدا کرد و ثقیل اول را به اقسام مختلف تقسیم نمود. او این تقسیم را با اطلاق زه در مجرای انگشت چهارم آغاز نموده و بعد به ذکر آوازه‌هایی پرداخته است که با انگشت چهارم در همان مجرا، سروده می‌شود، سپس درباره آوازه‌هایی با سبابه در مجرای انگشت چهارم و آوازه‌هایی با انگشت میانین در همین پرده سخن گفته است. بعد ثقیل اول را دو صنف قرار داده است. صنف اول همان است که ذکر کردیم و صنف دوم را قدر متوسط از ثقیل اول قرار داده و انگشتان و مجاری زه‌ها را به همان ترتیب که گذشت تقسیم کرده است. این تقسیم و طبقه‌بندی آوازه‌ها به فهم هیچ یک از آنان که بعد از اسحاق آمده‌اند در نیامده چه رسد که درباره آن کتابی یا فصلی تصنیف نمایند.

و باز در خصوص اشتباهاتی که دیگران در ارائه نظام موسیقایی مرتکب شده‌اند و اسحاق موصلی آن را اصلاح کرده است می‌گوید:

گروهی از مغنیان کتابهایی در موسیقی تألیف کرده‌اند اما در تعریف و تقسیم راهها و پرده‌ها دچار اشتباه شده‌اند. مثلاً یحیی مکی که شیخ این گروه و مقدم بر همه و استاد ایشان است، و آوازه‌های حجازی را همه از او آموخته‌اند و صنعتهای بسیار و زیبا از او برجاست و ابراهیم موصلی و

ابن جامع نیز شاگرد او بودند - کتابی در موسیقی تألیف نموده و غنای قدیم عرب را در آن جمع آورده است. پسرش نیز غنای جدید را تا ایام خود بر آن افزوده است. اما هر دو درباره انگشتان (پرده‌ها) دچار آشفتگی و تخیلی عظیم شده‌اند. تا جایی که راه بیشتر آوازهایی را که شرح داده‌اند خطا و فاسد است. از جمله گفته‌اند در بعضی آوازه‌ها همه انگشتان مشترک‌اند و این محال است. اگر ممکن بود همه انگشتان در نغمه‌ای شرکت داشته باشند دیگر نیازی به جدا کردن و تقسیم نغمه‌ها به دو انگشت میانین و انگشت چهارم نبود. اسحاق موصلی همه این بررسیها را به کمال رسانده و اقسام آواز را از هم جدا نموده و تمامی آنچه را اقلیدس و سایر استادان موسیقی قبل و بعد از او ترتیب داده‌اند از روی طبع و ذهن دریافته و قواعدی که پیشینیان، عمرها در راه آن صرف کرده بودند بدون اینکه کتابهای ایشان را بخواند یا از تألیفات ایشان خبر داشته باشد بر او کشف شده است.

اشارات و توضیحاتی که ابوالفرج اصفهانی بدان می‌پردازد، چندان کارساز و راهگشا نیست و دشوار می‌توان به یاری آنها به کُنه تفکرات اسحاق موصلی پی برد. ولی با تأمل در رساله یحیی بن علی منجم و افزودن آن به اطلاعات/الغانی تا حد بسیار زیاد می‌توان با آرا و نظریات اسحاق موصلی آشنا شد.

آل منجم

آل منجم یا بنی‌منجم، شهرت خاندان و اولاد ابومنصور ابان حسیس بن ورید بن کاد بن مهابنداد حساس بن فروغ داد بن استاد بن مهر حسیس بن یزدجرد است (لغت‌نامه، ج ۴: ۵۰۴۰) از ریاضی‌دانان و منجمان بنام ایرانی در روزگار مأمون - خلیفه عباسی - بودند. این خاندان نخست به علوم ریاضی و نجوم گرایش داشتند اما سپس بیشتر در موسیقی و نیز ادب و شعر عربی مشهور شدند. نیای بزرگ این خاندان، ابان حسیس یا فیروزان

مشهور به ابومنصور، منجم منصور عباسی بود، فرزندش «بزیست» در روزگار مأمون و به دست همین خلیفه اسلام آورد و مسلمان شد از این رو نام خود را به یحیی بن ابی منصور — ترجمه بزیست پسر فیروزان — تغییر داد (*دائرةالمعارف بزرگ*، ج ۱۲). پس از تشکیل «بیت الحکمه» در عهد مأمون و توجه اساسی به علوم و نقل کتابهایی از یونانی و سریانی و پهلوی به عربی، بزرگانی چون محمد و احمد و حسن از خاندان بنی موسی، به همراه یحیی ابن ابی منصور و فرزندش علی بن یحیی از خاندان ابن منجم در آن مرکز استقرار یافتند و با حمایت از این نهضت پرداختند و مبالغ کثیری در این راه صرف نمودند. در این مجموعه کسانی چون علان شعوبی به استنساخ کتاب و برخی همچون ثابت بن قره و یوحنا بن ماسویه و ابن نوبخت به ترجمه کتب اشتغال داشتند و گروهی نیز مانند یحیی بن ابی منصور، علی بن یحیی، محمد بن موسی خوارزمی و بنی موسی بن شاکر از این کتب جهت مطالعه و تحقیق استفاده می کردند (صفا، ۱۳۷۴: ۵۰).

مؤلف کتاب تاریخ حکماء در شرح حال یحیی بن ابی منصور چنین می نویسد:

از افاضل منجمین و در آن فن مقداری کبیر و مکسانی مکین داشته، نزد مأمون عباسی رتبه تقدم و تقرب یافت و چون عزم مأمون بر رصد کواکب مصمم شد امر کرد یحیی بن ابی منصور و (عباس بن سعید جوهری و سند بن علی و خالد بن عبدالملک مروودی) را به تهیه و اصلاح آلات رصد. پس ایشان موضعی در شماسیه بغداد و موضعی در جبل قادسیون دمشق اختیار نمودند و در سنین خمس عشره و سته عشره و سبع عشره در آن کار بودند لیکن به سبب آنکه در سنه ثمانی عشره و مائین وفات یافت آن کار به اتمام نرسیده و یحیی در بلاد روم وفات یافت. تصانیف وی بر این موجب است: ریج ممتحن، دو نسخه، کتاب العمل بسدس ساعه فی الارتفاع، بمدینه السلام (قفطی، ۱۳۷۱: ۴۸۷).

اغلب شرح حال نویسان دیگر نیز همچون مؤلف جامع عباسی و مختصر تاریخ الدول (ابن العبری، ۱۳۷۷: ۱۸۹)، مطالب خود را به پیروی از قفطی ذکر کرده‌اند (جامع عباسی، نسخه شماره ۱۲۳۴ کتابخانه ملی: ۴۱۶).

فرزند یحیی بن ابی منصور، علی، در آغاز از نزدیکان محمد بن اسحاق بن ابراهیم مصعبی، حکمران فارس بود، سپس به خدمت فتح بن خاقان، وزیر متوکل در آمد و سرانجام خدمت در دربار متوکل خلیفه عباسی را پذیرفت؛ دیری نگذشت که او به مقام ندیم خلیفه ارتقا یافت و در زمان خلافت منتصر، مستعین و معتمد عباسی همچنان به عنوان ندیم باقی ماند. آوازه علی بن یحیی به ویژه به عنوان شاعر، نوازنده و راوی اخبار، بسیار بلند بود و از حامیان دانشمندان و مترجمان به شمار می‌رفت و رسالاتی نیز در طب برای مأمون ترجمه کرد. چنین و فرزندش اسحاق نیز به درخواست او چند اثر از تألیفات جالینوس و دیگر نام‌آوران را برای او ترجمه کردند ثابت بن قره هم کتاب ارشمیدس، فی اصول الهندسه، را از یونانی به عربی برای او ترجمه کرد. قفطی هم نقل می‌کند که ثابت بن قره در جواب سؤالات او رساله‌ای در باب علم موسیقی تألیف کرده است (قفطی، ۱۳۷۱: ۱۶۴).

علی بن یحیی با موسیقی دانان و خنیاگران برجسته روزگار خود چون اسحاق بن ابراهیم موصلی نیز نشست و برخاست و دوستی داشت، از اسحاق موصلی درس می‌آموخت و رساله اخبار اسحاق بن ابراهیم موصلی را درباره او تألیف کرد که پس از رساله حماد بن اسحاق، کهن‌ترین زندگی‌نامه اسحاق موصلی به شمار می‌آید. این دو رساله از جمله منابع دیگر ادیبان و موسیقی دانان آن دوران در مورد اسحاق موصلی است و از مآخذ مهم ابوالفرج اصفهانی در الاغانی محسوب می‌شود. فارمر در کتاب خود به نقل از ابن خلکان چنین می‌گوید: «مهارت او (علی بن یحیی)

به‌خصوص در زمینه‌ی شنا بود که از اسحاق موصلی آموخته بود و او با اسحاق موصلی آشنایی و دوستی شخصی داشت» (فارمر، ۱۳۶۶: ۳۰۸). در اکثر منابع و متون تاریخی دو کتاب را از آثار او دانسته‌اند: *اخبار اسحاق موصلی و الشعر و الشعراء القدماء و الاسلامیین*.

یحیی بن علی بن یحیی صاحب این رساله نیز همچون نیاکان خود اهل علم و ادب بود، و از متکلمان معتزلی به شمار می‌آمد. در خانه او جلسات مباحثه با حضور جمعی از متکلمان تشکیل می‌شد و بزرگان علم و دانش با او نشست و برخاست داشتند. اکثر منابع و مآخذ چون *معجم‌الادبای یاقوت حموی*، و *معجم‌المؤلفین عمر رضا کحاله و الاعلام قاموس تراجم خیرالدین زرکلی* به این نکته اشاره می‌کنند که یحیی بن علی بن یحیی مردی ادیب، شاعر و موسیقی‌دان بوده و منصب ندیمی نزد خلفای عباسی همچون معتمد و معتضد داشت.

قفطی درباره او چنین می‌نویسد: «از علمای علوم اوایل و در ادبیات نیز فاضل و کامل بوده و در هر یک از اینها رتبه‌ی علیا داشته. خلفا و آجلاء به منادمت وی رغبت کردند هم از جهت علم و ادب وی و هم از جهت اصالت نسب، زیرا که اسلاف وی همگی در همه فنون مبرز و متقدم بوده‌اند. در سنه ثلاث‌مانه وفات یافت» (قفطی، ۱۳۷۱: ۴۹۶).

یحیی بن علی در شعر و شاعری نیز توانا بود و از سرشناسان عهد خود به‌شمار می‌آمد. نمونه‌هایی از شعر او در برخی کتب همچون *معجم‌الادباء* و *مروج‌الذهب مضبوط* است، نمونه‌ای از شعر او در رثای ثابت بن قره که به روز پنجشنبه بیست و ششم صفر سال ۲۸۸ هجری وفات یافت از این قرار است:

الا کل حی ما خلا الله مائت	و من یفترب یومل و من مات فائت
اری من مضی عننا وخسیم عنمدنا	کسفر شووا ارضنا فسار و بائت
نعاء العلوم الفلسیفات کلها	عذاها التماع النور مذمات ثابت
و اصبح اهلوهسا حیساری لفقد	و زال بسه رکن من العلم ثابت

هان، هر زنده‌ای به‌جز خدا میراست و هر به غربت رفته امید می‌آورد
[باز آید] و هرکس که مُرد پس دوباره انگیزته خواهد شد.

می‌بینم کسی که نزد ما بوده و خیمه کنار ما زده بود پس سفر کرد به
سوزمین دیگر و در آنجا ماند و شب [ها] را به‌روز می‌رساند.
علوم فلسفه همه از میان رفت پرتو نور آنها را ترک کرد، آن وقت که ثابت در
گذشت.

اهل دانش صبح کردند در حالی که در غم از دست دادن او سرگشته
بودند، و با مرگ ثابت ستونهای (ثابت) دانش فرو ریخت (نجم‌آبادی،
۱۳۷۵: ۲۷۵).

رسالاتی که به این دانشمند بزرگ ایرانی منسوب است عبارت‌اند از:

— رساله الباهر فی اخبار شعراء مخضرمی الدولتین

— رساله اجماع علی مذهب ابی جعفر طبری یا اجماع فی الفقه

علی مذهب ابی جعفر طبری.

یاقوت حموی در معجم‌الادباء سال ولادت یحیی بن علی را ۲۴۱ و سال
وفات او را ۳۰۰ ق ذکر می‌کند، این تاریخ در لغتنامه مرحوم دهخدا هفدهم
ربیع‌الاول سال ۳۰۰ ق عنوان شده است (ج ۴: ۵۰۴۰).

دانشمندان خاندان آل منجم نمونه‌ای از دانشمندان بزرگ ایرانی هستند که
متأسفانه در بین عموم ناشناخته و گمنام مانده‌اند؛ نمونه‌هایی از این دست
بسیار است همراه با رسالات ارزشمندی که هنوز به زیور طبع آراسته نشده
تا‌مورده تتبع علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار گیرد. این عدم شناخت نسبت به
گنجینه‌های علم و دانش خوددیدی از مهم‌ترین دلایل است برای آن که دیگر
ملل، این فرهیختگان ایرانی را که موجب مباهات هر ملتی است، از آن خود
بدانند و از حاصل زحمات و تألیفات ایشان برخوردار شوند تنها به این گناه
که آثار و مایه فکری خود را به‌زبانی غیر از فارسی یعنی عربی نگاشته‌اند.

Ibn Munajjim's Treatise on Music
(Risāla fī L'musiqi)

Edited by:

Seyyed Mohammad Taqi Hosseini



پتھوون

پتھوون
مرکز موسیقی پتھوون شیراز